www.INN.ir/sport
• سه‌شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵ • ۱۷ ذیقعده ۱۴۴۷
• سال بیست و نهم • شماره ۸۱۰۷
iranvarzeshii

ایران ورزشی

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
• رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل و مدیر مسئول : علی متقیان
• سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
• سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
• تلفن: ۱۴-۸۸۵۰۴۱۱۳ • نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳
• چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۰۱۳۰۰ - ۸۸۷۴۶۵۸۳
• امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۵۲۱۹۵۴
• نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵

نگاهی به میراث اسطوره برزیلی در جام‌های جهانی

پله، نامی که با فوتبال گره خورده است، نه تنها به خاطر مهارت‌های بی‌نظیرش، بلکه به دلیل رکوردهایی که همچنان پابرجا مانده‌اند و در تاریخ این ورزش ماندگار شده است. یکی از این دستاوردها، عنوان جوان‌ترین بازیکن تاریخ فینال جام جهانی است؛ رکوردی که در سال ۱۹۵۸ و در دیدار نهایی مقابل سوئد به نام او ثبت شد. این ستاره برزیلی پس از آن نیز در جام‌های جهانی ۱۹۶۲ و ۱۹۶۶ حضور یافت و بر شمار گل‌های خود در این رقابت‌ها افزود. چهارمین حضور او نیز در سال ۱۹۷۰ با گلزنی در دیدار افتتاحیه برزیل مقابل چکسلواکی همراه بود، تا نام خود را به عنوان یکی از ماندگارترین چهره‌های تاریخ این مسابقات جاودانه سازد. نکته جالب توجه این است که در همان روزگار، اووه زیلر، اسطوره فوتبال آلمان غربی نیز به افتخاری مشابه دست یافت.

در سال‌های پس از آن، تنها دو بازیکن دیگر موفق به تکرار این دستاورد شدند، میروسلاو کلوزه از آلمان و کریستیانو رونالدو از پرتغال. این چهار بازیکن، تنها فوتبالیست‌هایی هستند که توانسته‌اند در چهار دوره مختلف جام جهانی حداقل یک گل به ثمر برسانند.

ویژه

آغازی نو برای فوتبال آفریقا

حضور تیم ملی مراکش در جام جهانی ۱۹۷۰ مکزیک، نقطه عطفی مهم در تاریخ فوتبال قاره آفریقا به شمار می‌رود. پس از حضور تاریخی مصر در جام جهانی ۱۹۳۴، قاره آفریقا برای مدت طولانی از حضور در این رقابت‌های معتبر جهانی محروم مانده بود. این غیبت طولانی که ناشی از ساختار ناعادلانه سهمیه‌بندی مسابقات مقدماتی بود، باعث شد تا فوتبال آفریقا نتواند آن‌گونه که شایسته بود در سطح بین‌المللی خود را نشان دهد.

در آن دوران، فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا)، تنها یک سهمیه مشترک برای قاره‌های آفریقا، آسیا و اقیانوسیه در نظر گرفته بود؛ تصمیمی که عملاً شانس حضور تیم‌های آفریقایی را به حداقل می‌رساند. این رویه ناعادلانه، اعتراضات گسترده‌ای را در میان کشورهای آفریقایی برانگیخت و در نهایت منجر به تحریم جام جهانی ۱۹۶۶ توسط این کشورها شد. این اقدام اعتراضی، توجه جهان را به این نابرابری جلب کرد و فشارهای زیادی را بر فیفا وارد آورد.

در پی این اعتراضات و فشارهای بین‌المللی، فیفا سرانجام برای جام جهانی ۱۹۷۰، یک سهمیه مستقل به قاره آفریقا اختصاص داد. این تغییر تاریخی، راه را برای حضور نخستین نماینده آفریقا پس از دهه‌ها هموار کرد و تیم ملی مراکش با عملکردی درخشان در مرحله مقدماتی، توانست این سهمیه را از آن خود کند. حضور مراکش در جام جهانی ۱۹۷۰، تنها یک حضور ورزشی نبود، بلکه نمادی از امید و تلاش برای یک قاره بود. این تیم در گروهی سخت با تیم‌های قدرتمندی چون آلمان غربی، پرو و بلغارستان قرار گرفت. در دیدار افتتاحیه، مراکش با آلمان غربی، یکی از مدعیان اصلی قهرمانی، روبه‌رو شد و با وجود شکست ۲-۱، نمایشی شجاعانه و تحسین‌برانگیز ارائه داد. این بازی نشان داد که تیم‌های آفریقایی می‌توانند با قدرت‌های برتر فوتبال جهان رقابت کنند. در بازی دوم، مراکش با نتیجه ۳ بر صفر مغلوب پرو شد. این شکست، ضعف‌های تاکتیکی و کمبود تجربه این تیم را در برابر حریفان باتجربه‌تر آشکار کرد اما مراکش در سومین و آخرین دیدار مرحله گروهی، با ارائه یک بازی حساب‌شده، موفق شد مقابل بلغارستان به تساوی ۱-۱ دست یابد. این تساوی، نخستین امتیاز تاریخ فوتبال آفریقا در جام جهانی بود و از اهمیت نمادین ویژه‌ای برخوردار بود.

حضور مراکش در جام جهانی ۱۹۷۰، پیامدهای گسترده‌ای فراتر از نتایج ورزشی داشت. این حضور، اعتمادبه‌نفس تیم‌های دیگر آفریقایی را افزایش داد و راه را برای حضور موفق‌تر آنها در دوره‌های بعدی جام جهانی هموار کرد. مراکش نشان داد که با وجود محدودیت‌ها و چالش‌ها، می‌توان در سطح جهانی رقابت کرد و جایگاهی برای خود به دست آورد.

در پایان، اگرچه مراکش در آن دوره نتوانست به مراحل بالاتر صعود کند اما عملکرد آنها آغازگر فصلی تازه در تاریخ فوتبال آفریقا بود. این حضور تاریخی، به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ فوتبال آفریقا ثبت شد و الهام‌بخش نسل‌های آینده بازیکنان و مربیان این قاره گردید. مراکش در جام جهانی ۱۹۷۰، تنها یک تیم نبود، بلکه نماینده یک قاره و نماد امید برای میلیون‌ها نفر بود.

سمفونی رنگ‌ها در ارتفاعات مکزیک

جایی که فوتبال به کمال رسید

گزارش یک

محمدرضا رحیم‌پور
خبرنگار

اگر جام‌های ۱۹۶۲ و ۱۹۶۶ با خشونت و تاکتیک‌های دفاعی گره خورده بود، جام جهانی ۱۹۷۰ مکزیک بازگشت شکوهمندانه به «زیبایی» بود. این اولین جامی بود که از قاب تلویزیون‌های رنگی در سراسر جهان پخش شد؛ گویی فوتبال با خروج از دنیای سیاه‌وسفید، روح تازه‌ای گرفت. اما پیش از آنکه توپ جادویی «تله‌استار» در ورزشگاه آتزتکا به حرکت درآید، سایه‌های سیاست و حواشی پلیسی بر سر جام سنگینی می‌کرد.

جام جهانی ۱۹۷۰ مکزیک از همان آغاز، نشانه‌های بازگشت زیبایی به فوتبال را آشکار کرد. تماشاگران برای اولین‌بار، جلوه واقعی پیراهن زرد برزیل و آبی ایتالیا را روی چمن دیدند. فوتبال، دیگر فقط یک مسابقه نبود؛ به یک نمایش بصری بدل شده بود.

برگزاری مسابقات در ساعت‌های گرم روز، به دلیل پخش تلویزیونی برای اروپا، با اعتراض بازیکنان همراه بود؛ با این حال، کیفیت فنی بازی‌ها چنان بالا بود که این مسأله به حاشیه رفت.

ماجرای دستبند بوگوتا

بزرگترین حاشیه پیش از شروع جام، نه در مکزیک، بلکه در کلمبیا رقم خورد. تیم ملی انگلستان (مدافع عنوان قهرمانی) برای بازی‌های تدارکاتی به بوگوتا رفته بود که ناگهان خبری جهان را تکان داد: «بابی مور»، کاپیتان بااخلاق انگلستان، به اتهام سرقت یک دستبند الماس از جواهرفروشی هتل بازداشت شد!

این حادثه بوی یک توطئه سیاسی برای تضعیف روحیه انگلیسی‌ها را می‌داد. بابی مور چهار روز در حبس خانگی بود و در حالی که تیمش به مکزیک رفته بود، او با ضمانت آزاد شد. اگرچه او بعداً از تمام اتهامات تبرئه شد اما این اتفاق تمرکز انگلیسی‌ها را برهم زد. بابی مور با همان خونسردی همیشگی به اردو بازگشت اما این «جنگ روانی» زخمی بود که تا پایان جام بر تن سه‌شیرها باقی ماند.

وقتی فوتبال به جنگ رسید

مرحله مقدماتی این جام، یکی از تلخ‌ترین فصل‌های تاریخ فوتبال را رقم زد. دیدارهای حساس میان هندوراس و السالوادور به تنش‌های سیاسی دامن زد و در نهایت به درگیری نظامی میان دو کشور انجامید؛ جنگی کوتاه اما خونبار که به «جنگ فوتبال» معروف شد. هرچند ریشه‌های این درگیری عمیق‌تر از یک مسابقه بود، اما فوتبال جرقه‌ای شد بر انبار باروت.

بازی قرن

نیمه‌نهایی میان ایتالیا و آلمان غربی، یکی از ماندگارترین مسابقات تاریخ شد. بازی در وقت قانونی با تساوی به پایان رسید اما در وقت اضافه پنج گل ردوبدل شد تا ایتالیا با نتیجه ۴-۳ پیروز شود. در این میان، فرانتس بکن‌باوئر با کتف آسیب‌دیده و دست بسته تا پایان در زمین ماند؛ تصویری از تعهد و ایستادگی. با این حال، فشار این مسابقه سنگین، توان ایتالیا را برای فینال کاهش داد.

برزیل؛ تیمی فراتر از ستاره‌ها

برزیل ۱۹۷۰ زیر نظر ماریو زاگالو، ترکیبی کم‌نظیر از خلاقیت و هماهنگی را به نمایش گذاشت. ماریو زاگالو اولین کسی شد که هم به عنوان بازیکن و هم مربی قهرمان می‌شد و تیمی ساخت که در آن ۵ بازیکن با شماره ۱۰ باشگاهی‌شان حضور داشتند: پله، ژرسون، ریولینو، توستائو و جرزینیو. جرزینیو در تمام مسابقات گل زد؛ رکوردی که هنوز تکرار نشده است. پله نیز پس از ناکامی در جام ۱۹۶۶، بازگشتی باشکوه داشت و نقش محوری خود را بازیافت.

لحظه‌هایی که تاریخ شدند

در دیدار برزیل و انگلستان، ضربه سر پله با واکنش خارق‌العاده گوردون بنکس مهار شد؛ صحنه‌ای که هنوز به عنوان یکی از بهترین سیوهای تاریخ شناخته می‌شود. در برابر اروگوئه نیز، پله بدون لمس توپ، با یک حرکت هوشمندانه دروازه‌بان را فریب داد؛ نمایشی از نبوغی که فراتر از تکنیک صرف بود.

نوآوری در قوانین

جام ۱۹۷۰ نقطه عطفی در قوانین فوتبال بود، کارت‌های زرد و قرمز برای نخستین‌بار معرفی شدند، هرچند در این دوره هیچ بازیکنی اخراج نشد. همچنین امکان دو تعویض در هر بازی فراهم شد؛ تغییری که به کاهش آسیب‌های جدی کمک کرد. پخش رنگی مسابقات نیز چهره‌ای تازه به فوتبال بخشید و آن را به محصولی جهانی‌تر تبدیل کرد.

فینال؛ اوج یک نمایش

فینال میان برزیل و ایتالیا با پیروزی ۴-۱ برزیل به پایان رسید. گل نخست با ضربه سر تماشایی پله به ثمر رسید اما گل چهارم برزیل بیش از همه در تاریخ ماندگار شد. حرکتی تیمی که با مشارکت چندین بازیکن شکل گرفت و با ضربه نهایی کارلوس آلبرتو کامل شد؛ گلی که هنوز به عنوان نمونه‌ای کامل از فوتبال جمعی شناخته می‌شود.

میراث یک جام

برزیل با کسب سومین قهرمانی، جام ژول ریمه را برای همیشه به دست آورد. جام جهانی ۱۹۷۰ نه‌تنها یک تورنمنت موفق، بلکه نقطه‌ای تعیین‌کننده در تاریخ فوتبال بود؛ جایی که بازی از قالب نتیجه‌گرایی صرف خارج شد و به هنری جمعی بدل گشت. این رقابت‌ها، پله را به چهره‌ای فراتر از یک ستاره ورزشی تبدیل کرد؛ به نمادی جهانی از فوتبال.

> در دیدار برزیل و انگلستان، ضربه سر پله با واکنش خارق‌العاده گوردون بنکس مهار شد؛ صحنه‌ای که هنوز به عنوان یکی از بهترین سیوهای تاریخ شناخته می‌شود

> جام جهانی ۱۹۷۰ نه‌تنها یک تورنمنت موفق بلکه نقطه‌ای تعیین‌کننده در تاریخ فوتبال بود؛ جایی که بازی از قالب نتیجه‌گرایی صرف خارج شد

چالش ارتفاع و گرما در مکزیک

آزمونی برای استقامت و تاکتیک

جام جهانی ۱۹۷۰ مکزیک، به عنوان نخستین تجربه برگزاری این رویداد در قاره آمریکای شمالی، با موانع و چالش‌های منحصربه‌فردی روبه‌رو شد که عملکرد تیم‌های شرکت‌کننده را تحت تأثیر قرار داد. مهم‌ترین این چالش‌ها، مسأله ارتفاع از سطح دریا و گرمای طاقت‌فرسای هوا بود که نیازمند آمادگی جسمانی و تدابیر تاکتیکی خاصی از سوی تیم‌ها بود. شهرهایی چون تولوکا و مکزیکوسیتی، با ارتفاع قابل توجه خود از سطح دریا، محیطی کم‌اکسیژن را ایجاد کردند که پیش‌تر بسیاری از تیم‌ها تجربه مواجهه با آن را نداشتند. کاهش میزان اکسیژن در این ارتفاعات، منجر به خستگی سریع‌تر، کاهش استقامت و در نتیجه، افت محسوس عملکرد بدنی بازیکنان می‌شد. گرمای شدید تابستان مکزیک نیز به این مشکلات دامن می‌زد و شرایط را برای بازیکنان طاقت‌فرسا می‌کرد. تیم‌های شرکت‌کننده برای مقابله با این شرایط دشوار، تلاش کردند با ورود زودهنگام به مکزیک و برگزاری اردوهای تمرینی در ارتفاع، خود را با شرایط تطبیق دهند. با این حال، تفاوت در آمادگی بدنی میان تیم‌ها کاملاً مشهود بود. نکته جالب‌تر اینکه به دلیل پخش زنده تصویری رنگی مسابقات، تصمیم برگزارکنندگان برای برگزاری مسابقات در ساعت ۱۲ ظهر، با هدف جلب مخاطبان تلویزیونی در اروپا، انتقادات گسترده‌ای را به همراه داشت، چرا که بازیکنان مجبور بودند در گرم‌ترین ساعات روز و در شرایطی دشوار به میدان بروند. با وجود این چالش‌ها، جام جهانی ۱۹۷۰ به یکی از به یادماندنی‌ترین و جذاب‌ترین دوره‌های تاریخ این رقابت‌ها تبدیل شد. تیم‌ها به تدریج خود را با شرایط وفق دادند و سبک‌های بازی نیز دچار تغییراتی شد. مدیریت انرژی و حفظ ریتم بازی، جایگزین فشار مداوم شد و این تغییرات تاکتیکی، سطح فنی و استراتژیک مسابقات را ارتقا بخشید. مسأله ارتفاع و گرما، نه‌تنها یک مانع، بلکه عاملی تأثیرگذار در شکل‌گیری هویت این دوره از جام جهانی بود. غلبه بر محدودیت‌های فیزیکی و نمایش‌های چشمگیر بازیکنان، جام جهانی ۱۹۷۰ را به یکی از بهترین ادوار تاریخ فوتبال تبدیل کرد؛ رویدادی که در آن استقامت، تاکتیک و اراده، حرف اول را می‌زد.

کالبدشکافی تیمی که فوتبال را به «هنر» تبدیل کرد

سمفونی زرد در مکزیکوسیتی

در تاریخ ورزش، تیم‌هایی هستند که قهرمان می‌شوند و تیم‌هایی که در یادها می‌مانند اما برزیل ۱۹۷۰ تنها تیمی است که مفهوم «کمال» را در مستطیل سبز بازتعریف کرد. زمانی که تصاویر رنگی برای اولین بار از مکزیک به خانه‌های مردم رفت، جهان با پدیده‌ای روبه‌رو شد که بیشتر به یک رقص هماهنگ شباهت داشت تا یک مسابقه فیزیکی.

۵ شماره ۱۰ در یک کالبد

بزرگترین قمار «ماریو زاگالو»، سرمربی جوان آن زمان، چیدمان تیمی بود که روی کاغذ غیرممکن به نظر می‌رسید. او ۵ بازیکن را که در باشگاه‌های خود «شماره ۱۰» و بازیساز مطلق بودند، به طور همزمان در ترکیب قرار داد: پله، ژرسون، ریولینو، توستائو و جرزینیو. منتقدان پیش از جام می‌گفتند این تیم به دلیل شباهت سبک بازی ستاره‌هایش از هم می‌پاشد اما زاگالو با نبوغی استراتژیک، هر یک را در نقشی جدید ذوب کرد. جرزینیو به «طوفان» جناحین بدل شد و رکورد تاریخی گلزنی در تمام بازی‌های جام را ثبت کرد. ژرسون به مغز متفکر میانه میدان تبدیل شد و ریولینو با ضربات آزاد «اتمی» خود ترس بر اندام حریفان انداخت. توستائو با فداکاری در خط حمله فضا می‌ساخت تا پله، در آخرین رقص جهانی‌اش، پادشاهی کند.

برخلاف تصور عامه که این تیم را صرفاً بر پایه استعداد ذاتی می‌دانند، برزیل ۱۹۷۰ یکی از «آماده‌ترین» تیم‌های تاریخ از نظر فیزیکی بود. آنها ماه‌ها پیش از جام به مکزیک رفتند تا ریه‌های خود را با ارتفاع زیاد و کمبود اکسیژن تطبیق دهند. این آمادگی جسمانی به آنها اجازه داد تا در نیمه دوم بازی‌ها، زمانی که حریفان از نفس می‌افتادند، ضربات نهایی را با دقت و سرعت یک جراح وارد کنند.

اگر بخواهیم هویت این تیم را در یک لحظه خلاصه کنیم، باید به گل چهارم فینال مقابل ایتالیا نگاه کنیم. گلی که توسط کاپیتان کارلوس آلبرتو به ثمر رسید، یک شاهکار مهندسی بود. توپ از خط دفاعی شروع شد، تقریباً تمام ستاره‌ها آن را لمس کردند، پله با یک پاس «نابینا» و با تکیه بر غریزه، توپ را به فضایی فرستاد که کارلوس آلبرتو مانند یک صاعقه از راه رسید و آن را به گوشه دروازه دوخت. این گل، نقطه پایان دوران فوتبال کلاسیک و آغاز ستایش «کار تیمی خلاقانه» بود.

برزیل با فتح این جام، برای سومین بار قهرمان شد و طبق قوانین، حق یافت که جام اصلی «ژول ریمه» را برای همیشه به خانه ببرد اما میراث واقعی آنها مجسمه‌ای طلایی نبود؛ میراث آنها عبارتی بود به نام «ژوگا بونیتو» (بازی زیبا).

تیم ۱۹۷۰ ثابت کرد که می‌توان در بالاترین سطح رقابت، بی‌رحم بود اما خشن نبود؛ می‌توان پیروز شد اما از زیبایی نگذشت. آنها به جهان نشان دادند که فوتبال در بهترین حالتش، نه یک جنگ، بلکه یک سمفونی است که در آن هر بازیکن، سازی را به صدا درمی‌آورد تا در نهایت، تماشاگر را به وجد بیاورد. امروز، هر تیمی که سعی می‌کند با پاس‌های کوتاه و خلاقیت فردی به دروازه حریف برسد، در واقع در حال ادای احترام به ۱۱ مرد زردپوشی است که در گرمای سوزان مکزیک، فوتبال را برای همیشه به «بازی زیبا» تبدیل کردند.

تولد یک اسطوره در مکزیک

نخستین درخشش توپ تله‌استار در جام جهانی ۱۹۷۰

جام جهانی ۱۹۷۰ مکزیک، تنها به خاطر نمایش درخشان پله و قهرمانی برزیل در یادها نمانده است. این دوره از مسابقات، شاهد تولد یک نماد ماندگار دیگر نیز بود، توپ آدیداس تله استار، انقلابی در طراحی و فناوری توپ‌های فوتبال که برای همیشه چهره این ورزش را دگرگون کرد. پیش از سال ۱۹۷۰، توپ‌های فوتبال عمدتاً به رنگ قهوه‌ای و از جنس چرم سنگین بودند. این توپ‌ها در شرایط آب و هوایی مختلف عملکرد متفاوتی داشتند و در هوای بارانی به دلیل جذب آب، سنگین‌تر و غیرقابل پیش‌بینی می‌شدند اما تله استار، با طراحی نوآورانه خود، پاسخی به این چالش‌ها بود. شرکت آدیداس، به عنوان تأمین‌کننده توپ رسمی مسابقات، با هدف بهبود دید توپ در پخش تلویزیونی، دست به طراحی تله استر زد. جام جهانی ۱۹۷۰، نخستین دوره‌ای بود که به طور گسترده در سراسر جهان از تلویزیون رنگی پخش می‌شد اما بخش قابل توجهی از بینندگان همچنان از تلویزیون‌های سیاه و سفید استفاده می‌کردند. به همین دلیل، طراحی توپ باید به گونه‌ای می‌بود که در هر دو نوع نمایشگر به خوبی قابل مشاهده باشد. این نیاز، منجر به طراحی منحصر به فرد تله استار شد، ۳۲ پنل چرمی، شامل ۲۰ شش‌ضلعی سفید و ۱۲ پنج‌ضلعی مشکی. این الگو، نه تنها باعث افزایش وضوح توپ در تلویزیون‌های سیاه و سفید می‌شد، بلکه به سرعت به یک الگوی استاندارد جهانی برای توپ‌های فوتبال تبدیل شد. ترکیب رنگ سیاه و سفید، کنتراست بالایی ایجاد می‌کرد و به بازیکنان و تماشاگران کمک می‌کرد تا توپ را به راحتی در زمین بازی و صفحه تلویزیون دنبال کنند. اما داستان تله استار بدون چالش هم نبود. در آغاز مسابقات جام جهانی ۱۹۷۰، تنها ۲۰ توپ تله استار در دسترس بود. این کمبود باعث شد که در برخی از مسابقات، همچنان از توپ‌های قدیمی چرمی قهوه‌ای رنگ استفاده شود. این توپ‌های قدیمی، از نظر وزن و جذب آب با شرایط آب‌وهوایی مکزیک چندان سازگار نبودند و عملکرد بازیکنان را تحت تأثیر قرار می‌دادند. تفاوت کیفیت میان تله استار و توپ‌های قدیمی، به خوبی در طول مسابقات نمایان شد. نام «تله استار» نیز خود داستانی دارد. این نام، از یک ماهواره ارتباطی در دهه ۱۹۶۰ گرفته شده بود. انتخاب این نام، نشان‌دهنده ارتباط میان فناوری، رسانه و ورزش در آن دوران بود. آدیداس با این نام‌گذاری قصد داشت نشان دهد که فوتبال نیز وارد عصر جدیدی از ارتباطات جهانی شده است، عصری که در آن تصاویر تلویزیونی، مخاطبان را در سراسر جهان به هم متصل می‌کرد. در طول مسابقات جام جهانی ۱۹۷۰، استفاده از Telstar به سرعت گسترش یافت و بازیکنان و داوران از کیفیت بهتر آن نسبت به توپ‌های قبلی استقبال کردند. کنترل بهتر، پرواز دقیق‌تر و دوام بیشتر از ویژگی‌هایی بود که این توپ را متمایز می‌کرد. گزارش‌ها حاکی از آن است که بازیکنان از لمس نرم‌تر و واکنش‌پذیری بهتر Telstar نسبت به توپ‌های قدیمی‌تر ابراز رضایت می‌کردند. Telstar، فراتر از یک توپ ورزشی، به یک نماد فرهنگی تبدیل شد. طراحی سیاه و سفید آن، به سرعت در سراسر جهان شناخته شد و در پوسترها، مجلات و تبلیغات مورد استفاده قرار گرفت. این توپ، به نمادی از جام جهانی ۱۹۷۰ و عصری جدید در فوتبال تبدیل شد. امروزه، با گذشت بیش از نیم قرن، تله استار همچنان به عنوان یکی از نمادین‌ترین طراحی‌ها در تاریخ فوتبال شناخته می‌شود. تأثیر این توپ بر طراحی توپ‌های فوتبال مدرن غیرقابل انکار است و طراحی سیاه و سفید آن، همچنان به عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین نمادهای این ورزش در جهان است.